



doi 10.22059/jis.2024.382026.1308

Research Paper

Critical-Analytical Review of the Story of Bahram Gur in Shahnameh and Haft Pekir from a Moral-Educational Point of View

Mansoureh shahriyari^{2✉} 

1. Corresponding author, assistant professor of Persian language and literature, University of Tehran, Tehran, Iran. Mshahriyari@ut.ac.ir

Article Info.

Abstract

Received:

2023/03/11

Accepted:

2023/09/26

Keywords:

Bahram Gur, history, didactic literature, Shahnameh, Haftpakar,

The hands of history are the source of the majority of the protagonists in our lyrical, epic, dramatic, and didactic literature. Bahram Gur is one of these characters, whose role in historical sources is enriched by legends in literary sources. His popularity has garnered the attention of historians, writers, and artists, among others, among the Sassanid monarchs. This research investigates this character in the fields of history and literature from a descriptive and analytical perspective, utilizing library sources. Because the narratives concerning Bahram Gur have been recounted in historical and literary sources with distinctions, they have all pursued the same objective: the education of society members. This research seeks to address the question of how writers, historians, and writers in general perceive stories as an educational instrument. In order to elucidate this matter, we have first examined the perspectives of historians regarding the aforementioned character. Subsequently, we have examined the character of Bahram in Ferdowsi's Shahnameh, Nizami's Haftpakir, and other historical sources. The results suggest that, despite the fact that a character is the focal point of these studies, distinct analyses have been produced based on their respective perspectives. The objective of historical texts is no longer limited to the mere description of facts when viewed from a literary perspective and utilizing the elements of emotion and imagination. The poet or writer may also aim to achieve other objectives in addition to the creation of beauty. Ferdowsi and Nizami have analyzed and described Bahram's character. In fact, despite the disparity in their modes of expression, these two leaders of the literary world have occasionally diverged from the historical aspect and have crafted educational narratives that incorporate historical evasions.

How To Cite: Shahriyari, Mansoureh. (2023). Critical-Analytical Review of the Story of Bahram Gur in Shahnameh and Haft Pekir from a Moral-Educational Point of View, *Journal of Iranian Studies*, 81-100

Publisher: University of Tehran Press.





بررسی تحلیلی داستان بهرام گور در شاهنامه و هفت پیکر از منظر ادبیات تعلیمی

منصوره شه‌ریاری^۱ |

۱. نویسنده مسئول، استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Mshahriyari@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

بیشتر قهرمان‌های ادبیات غنایی، حماسی، نمایشی و تعلیمی ما دست پرورده‌ی تاریخ هستند یکی از این شخصیت‌ها بهرام گور است که فرمانروایی او در منابع تاریخی به زیور افسانه‌ها در منابع ادبی آراسته شده است. وی از جمله پادشاهان ساسانی است که به دلیل محبوبیت مورد توجه مورخان، ادیبان و هنرمندان و ... قرار گرفته است. این پژوهش با نگاه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی این شخصیت در دو حوزه‌ی تاریخ و ادبیات می‌پردازد زیرا داستان‌های مربوط به بهرام گور در منابع تاریخی و ادبی با وجه تمایزهایی بیان شده‌اند ولی همه آن‌ها یک هدف را دنبال کرده‌اند و آن هم تعلیم آحاد جامعه است. این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال است که چگونه ادیبان و مورخان و به‌طور کلی نویسندگان از داستان به مثابه ابزاری جهت تعلیم می‌نگرند؟ جهت تبیین این موضوع ابتدا به نگاه مورخان در باب شخصیت مذکور پرداخته و سپس شخصیت بهرام را در شاهنامه فردوسی و هفت پیکر نظامی و دیگر منابع تاریخی مورد بررسی قرار داده ایم. یافته‌ها حاکی از آن است با وجود آنکه یک شخصیت در مرکز ثقل این پژوهش‌ها قرار دارد اما نگاه متفاوت، تحلیل‌های متفاوتی را رقم زده است. زمانی که با نگاه ادبی و با استفاده از عناصر عاطفه و تخیل به متون تاریخی می‌نگریم دیگر هدف توصیف صرف واقعیات نیست و ممکن است شاعر یا نویسنده علاوه بر زیبایی آفرینی اهداف دیگری را نیز در اثر دنبال کند چنانکه فردوسی و نظامی در تحلیل و توصیف شخصیت بهرام داشته‌اند در واقع با وجود تفاوت در شیوه‌ی بیان این دو یکه تاز عرصه قلم، آنان در مواردی از وجه تاریخی دور گشته‌اند و با گریزهای تاریخی داستان‌های تعلیمی خلق کرده‌اند.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۷/۰۴

واژه‌های کلیدی:

بهرام پنجم، تاریخ، تعلیم، شاهنامه، هفت پیکر.

استناد به این مقاله: شه‌ریاری، منصوره (۱۴۰۳) بررسی انتقادی-تحلیلی داستان بهرام گور در شاهنامه و هفت پیکر از منظر اخلاقی-تعلیمی. پژوهش‌های ایران‌شناسی، ۱۴ (۲)، ۸۱-۱۰۰.



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه و بیان مسئله:

بهرام گور از پادشاهان محبوب ساسانی است داستان هایی که به وی نسبت داده اند نه تنها در متون تاریخی بیان شده که در متون ادبی نیز بازتاب دارد. هنرمندان زندگانی بهرام را بر بوم های نقاشی، ظروف سفالی و منسوجات به تصویر کشیده اند و بافندگان قالی آن را با تار و پود فرهنگ و تاریخ و مردم شناسی و ... این مرز و بوم بافته اند طبیعتاً کشش و جاذبه ی این شخصیت برای اهالی علم و هنر فقط از سرگذشت تاریخی وی نشأت نمی گیرد، بلکه به نظر می رسد آمیختگی سرگذشت وی با داستان های اساطیری است که او را این گونه گران پایه و مایه هنر گردانیده است.

بارت^۱ می نویسد: "اسطوره، تاریخ را به طبیعت بدل می کند ... اسطوره چیزی را انکار نمی کند، برعکس نقشش آن است که درباره ی چیزها سخن بگوید؛ خیلی ساده حالتی ناب و پالوده به آن ها بدهد، آن را معصوم و مقبول و مقتدر نشان دهد به آن ها توجیهی طبیعی و جاودانه ببخشد نوعی وضوح به آن ها بدهد که از نوع وضوح تبیین نیست بلکه صرفاً بیان واقعیت است." (سجودی، ۱۳۸۷: ۹۰)

هرچند میان تاریخ و افسانه مرز مشخصی نیست و این خود نشانه ای از دوپارگی جان آدمی است که از دیرباز میان پندار و واقعیت آواره است نیمی از روان ما آگاه و روشن و واقع گراست و با معیار تجربه و منطق حقیقت می جوید و شیفته ی تاریخ است و نیم دیگر جانمان ناآگاه و تاریک و وهم گراست از این روست که گاه گذشتگان ایزد و اژدها را از مفاک تاریک اساطیر درآورده با پالودنشان از هر چیز وهمناک و مینوی، از آنان پهلوان و جبار ساخته اند و گاه شاه و دشمن را از تاریخ دورانده اند و بر مبنای سخن های باستانی اسطوره ای، از آنان خدا و دیو آفریده اند ... (سرکاراتی، ۱۳۵۵: ۱۶۲)

شاید یکی از دلایل دستکاری هایی که در متون پیشینیان انجام شده و تاریخ را به اسطوره گره زده، به دلیل ملموس کردن و تاثیرگذاری بیشتر مفاهیم است که بتوانند آموزه های تعلیمی را با مثال های عینی به متعلمان تعلیم و تفهیم کنند.

مالینوفسکی^۲ معتقد است کارکردگرائی تنها روش علمی است که برای تعیین هویت فرهنگ، ضوابط معتبری در اختیار انسان شناس قرار می دهد. بر این اساس هر عنصری نقش و وظیفه ی کارکردی برعهده دارد که اگر نتواند در مجموعه ی فرهنگ و هنر نقش خود را ایفا کند و به نتیجه ی مورد نظر برسد یا از دایره ی فرهنگ و هنر حذف می شود یا تغییر شکل و ماهیت می دهد تا بتواند با شرایط

¹Roland Barthes

² Bronisław Malinowski

جدید سازگار شود. (رضی، ۱۳۹۱: ۱۰۱)

البته بررسی این موضوع که آیا می‌توان از ادب و هنر برای تهذیب اخلاق و نیل به مدینه ی فاضله بهره برد یا نه سابقه ای بس طولانی دارد و متفکران بسیاری از قدیم الایام داد سخن داده اند. هر چند افلاطون در رابطه با شعر و ادبیات با دیده ی تردید نگریسته است اما می‌توان گفت: نگاه وی به طور مطلق خصمانه نیست. افلاطون و پس از وی ارسطو معتقد بودند هنر باید در خدمت اخلاق باشد. (مرادخانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۶)

ارسطو با طرح نظریه ی کتارسیس^۱ مخالفت افلاطون را درباره ی شعر و تأثیر اخلاقی آن تعدیل کرد و شعر را نه تنها در تزکیه ترس و شفقت بلکه در تصفیه انسان نیز مؤثر دانست. (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۱۰۵) با توجه به چنین سابقه ی نظری بسیاری از ادیبان به بعد تعلیمی متون تاریخی توجه کرده اند و به منظور تاثیرگذاری بیشتر از شخصیت های تاریخی سود جسته اند که البته این رابطه ی دو سویه جاودانگی شخصیت و یا روایت تاریخی را همراه داشته است.

«ادبیات تعلیمی^۲ سعی در ارتقاء و اعتلاء پرورش روح انسانی دارد و هدف غایی آن نیز نیکبختی و خوشبختی نوع انسانی است و مخاطب این افکار و مفاهیم نیز نوع بشر در طول تاریخ است نه خطابی شخصی و منحصر بفرد». (یلمه ها، ۱۳۹۳: ۸۱)

این نوع ادبی در ایران یکی از گسترده ترین و پر دامنه ترین انواع ادبی است و طیف وسیعی از ادبیات فارسی را به خود اختصاص داده است به طوری که درون مایه های تغزلی، حماسی، غنایی، نمایشی و ... نیز بعضاً پیوند تنگاتنگی با این گونه ادبی یافته است.

ادبیات تعلیمی به پرورش قوای روحی و اخلاقی انسان اهتمام دارد و سعادت انسان را در گرو بهبود منش اخلاقی وی می‌داند. بدیهی است تلقی افراد از اخلاق در برهه ها و دوره های مختلف تاریخی و نزد فرق، مذاهب و تفکرات گوناگون متفاوت است.

ادب تعلیمی پیش از اسلام بازتاب حکومت استبدادی و نظام سلسله مراتبی حاکم بر جامعه ایرانی است که روحیاتی چون ترس و ارتباط یک طرفه و تک گویانه را ترتیب داده است و چون هنرمند در تعالی من فردی خود تلاش نکرده همسو با گفتمان غالب جامعه آن روزگار که استیلای نظام طبقاتی است حرکت کرده است. (یلمه ها، ۱۳۹۵: ۶۱)

به صورت کلی مفاهیم اخلاقی در دو دوره ایران باستان و دوره ی اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرند مفاهیم اخلاقی در دوره های فوق اشتراکاتی با هم دارند و مواردی نیز هست که موجب تمایز این دو دیدگاه می‌شود. شاهنامه فردوسی و هفت پیکر نظامی هر کدام محصول دو دوره تاریخی متفاوت هستند

¹catharsis

² Didactic litreture

تفاوت نگاه این دو شاعر نیز محصول تفاوت نگاه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی... این دوران است. هر دو بهرام گور، این شخصیت اسطوره ای - تاریخی را، دست مایه ی خلق اثر قرار داده اند ولی همان گونه که گفتیم تفاوت در نگاه، خلق متفاوتی را رقم زده است. در شاهنامه فردوسی فرهنگ ایرانی و تفکر اخلاقی ایرانیان باستان نقش پر رنگ تری دارد اما در آثار نظامی ادب صوفیانه و مفاهیم مربوط به آن، گونه و سبکی دیگرگون می آفریند. فردوسی حکیم، در اثر سترگ خود به ترسیم فرهنگ و تاریخ ایران پرداخته است و در قالب شخصیت های مختلف همچون پدری دلسوز برای نیل انسان های به نیک بختی پند و اندرز می دهد. نظامی نیز با رمز پردازی در دوران سلجوقیان در مقام مصلح اجتماعی در منشی زاهدانه زبان به پند می گشاید و قدم بر جای پای سنایی در عصر غزنویان می گذارد تا ندای وجدان جامعه را بیدار کند و آن را به سوی سعادت رهنمون سازد.

بهرام گور فرزند یزدگرد و از پادشاهان عصر ساسانی است. اما جزئیات زندگی این شخصیت تاریخی آن قدر با افسانه آمیخته که جداسازی تاریخ از افسانه امری ناشدنی است. حتی در کتب تاریخ قدیم نیز که در ادامه به آن ها اشاره خواهیم کرد نیز داستان هایی از زندگی این شخصیت تاریخی گفته شده که نمی توان با دیده ی واقعیت بدان ها نگریست. این پژوهش قصد دارد شخصیت و زندگی بهرام گور را در لا به لای ابیات شاهنامه و هفت پیکر واکاوی کند. البته ناگفته پیداست که پژوهش هایی جسته گریخته در این حوزه انجام شده است اما پژوهشی منسجم که در برگیرنده نظرات پژوهشگران قدیم و جدید باشد و در عین حال به دلایل این تمایز در شیوه بازنمایی این شخصیت تاریخی - افسانه ای در این دو متن فاخر ادبی اشاره کرده باشد کم تر می توان یافت از این روی، چنین پژوهشی می تواند راه را بر تحقیق های آتی در این حوزه هموار کند.

اهداف و پرسش های پژوهش:

نوشتار حاضر با هدف بررسی داستان بهرام گور در منابع تاریخی و ادبی انجام شده است و می خواهد به پرسش های ذیل پاسخ دهد:

- چرا و به چه انگیزه ای شاعران به شخصیت تاریخی بهرام پنجم وجه ادبی داده اند؟
- بر اساس شواهد تاریخی کدام شاعر بیشتر به این شخصیت جنبه ادبی داده است؟
- وجه افتراق بیان داستان در متون تاریخی و ادبی چیست؟
- دلایل این وجه تمایز در گفته این دو شاعر گران پایه چیست؟
- پژوهش های پیشین در رابطه با داستان های چه تحلیل هایی ارائه داده اند و به چه استنتاجاتی دست یافته اند؟

پیشینه ی تحقیق

در مورد شخصیت بهرام پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است که در این زمینه می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد:

بررسی تطبیقی شخصیت بهرام در شاهنامه و هفت پیکر (غلامی نژاد و دیگران، ۱۳۸۶): نویسندگان در این مقاله معتقدند ترسیم شخصیت بهرام در شاهنامه بیشتر جنبه ی تاریخی دارد حال آنکه نظامی کوشیده است بهرام را به عنوان یک حاکم آرمانی مطرح سازد که توانسته با طی مراحل سیر و سلوک به کمال مطلوب انسان برسد و از این رو به سرمشقی برای تمام پادشاهان بدل شود.

وجهه ی همت نویسندگان این مقاله پرداختن به شخصیت بهرام بوده است نه الزاماً بررسی داستان‌هایی که در شاهنامه و هفت پیکر درباره ی بهرام سروده شده است باید گفت با آن که نکات خوبی در مقاله بیان شده است، در به دست آوردن تصویری دقیق از بهرام بر اساس داستان‌های دو کتاب کمک شایانی به مخاطب نمی‌کند.

آبشخورهای تاریخی روایت نظامی در نظم هفت پیکر (مقایسه تطبیقی داستان بهرام گور در روایت فردوسی، طبری، ثعالبی، نظام الملک، مقدسی، ابن اثیر و نظامی با توجه به افزوده‌های هنرمندانه نظامی به داستان تاریخی): نویسنده در این مقاله به این پرسش پاسخ داده است که نظامی در منظوم کردن داستان بهرام گور به کدام منابع تاریخی استناد جسته تا بتواند میزان نوآوری و دخل و تصرف و افزوده‌های هنرمندانه شاعر را در نظم کشیدن روایت آشکار کند؟! بدین منظور وی جداولی را طراحی کرده است و در آن نشان داده که پیش از نظامی داستان‌ها در چه کتبی بیان شده‌اند.

کیخسرو و بهرام (خوانش بینامتنی شاهنامه و هفت پیکر از منظر شخصیت‌پردازی اسطوره‌گونه ی کیخسرو و بهرام): نویسنده بر پایه ی آرای ژرار ژنت دو اثر شاهنامه و هفت پیکر را بررسی کرده است و به این نتیجه رسیده است که شخصیت بهرام در هفت پیکر جلوه‌ای از شخصیت کیخسرو در شاهنامه است.

بررسی و مقایسه دو چهره نیمه تاریخی شاهنامه (بهرام گور و بهرام چوبین) بر اساس نظریه قدرت (۱۳۸۹): نویسنده در این مقاله به وجوه تشابه این دو شخصیت نیمه تاریخی (بهرام گور و بهرام چوبین) در شاهنامه فردوسی پرداخته و معتقد است قدرت موجب شده این دو شخصیت جهت برپاداشتن عدالت و رفع تبعیض در جامعه طبقاتی به پا خیزند و هر دو نمودار یک حقیقت و یک خودآگاه اجتماعی و نماینده خصیصه فطری عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی هستند که به صورت دو پهلوان حماسی-تاریخی در عرصه شاهنامه نمود یافته‌اند.

تقابل دو دیدگاه در یک داستان (بهرام گور در شاهنامه و هفت پیکر): نویسنده این مقاله به بسط این اندیشه می پردازد که روایت های مختلف یک داستان نتیجه تأثیر محیط و عصری است که داستان و داستان سرا در آن شکل می گیرد شاید بتوان گفت تفاوت بهرام گور نظامی و فردوسی به اندازه دو قرن فاصله زمانی است و از این منظر به بررسی این دو شخصیت می پردازد.

«غیبت بهرام گور»: نویسنده به مرگ بهرام از وجه اساطیری پرداخته است.

هویت بهرام پنجم در شاهنامه و هفت پیکر با رویکردی تاریخی:

نویسنده ضمن بررسی تطبیقی تاج گذاری بهرام، جنگ سیاسی، اقدامات اجتماعی و مرگ بهرام در دو اثر به این نتیجه می رسد که پایدی فردوسی به تاریخ بیش از نظامی است. فردوسی به بهرام وجه حماسی بخشیده حال آن که نظامی به وجه غنایی شخصیت وی توجه داشته است.

مضامین تعلیمی و تربیتی در هفت پیکر: پژوهشگر این مقاله به بیان این اندیشه می پردازد که منظومه هفت پیکر نه تنها از نوع حماسی - غنایی است بلکه در زمره ی ادبیات تعلیمی به شمار می رود کنکاشی در نماد پردازی در گنبد هفتم: نویسنده در این مقاله به گره گشایی نمادپردازی های نظامی در هفت پیکر پرداخته است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی است و با استفاده از منابع کتابخانه ای به تحلیل شخصیت بهرام گور پرداخته است به گونه ای که این شخصیت در شاهنامه، هفت پیکر و منابع تاریخی مطالعه شده و موارد اختلاف این شخصیت بر اساس شواهد تاریخی استخراج و بررسی شده است داستان ها از بعد تاریخی مورد بررسی قرار گرفتند و تمام مقالات و تحلیل هایی که در هر حوزه وجود دارد واکاوی شده است.

تحلیل و بررسی

رابطه میان ادبیات و اجتماع از روزگاران کهن تا روزگار ما رابطه ای متقابل است به نظر بسیاری از محققان ادبی، برای فهم و شناخت آثار ادبی باید اوضاع تاریخی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی تفاوت های فکری و فرهنگی هر دوره را شناخت. (شهریاری، ۱۴۰۱: ۳۷۲). بنابراین ما اگر از تفاوت یک شخصیت تاریخی - افسانه ای نزد دو شاعر گران پایه صحبت می کنیم ریشه این اختلاف در فهم لایه تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این دو برهه است در واقع با این که فردوسی و نظامی یک شخصیت را مرکز ثقل سرایش اشعار قرار داده اند فقط دو داستان مشترک می توان دید که آن هم در جزئیات ممکن است کاملاً منطبق با هم نباشند.

هفت پیکر نظامی و شاهنامه فردوسی هر چند به ظاهر از نوع ادبیات غنایی و حماسی هستند اما با تأمل عمیق در نتایج داستان ها متوجه می شویم که نوع تعلیمی و تربیتی آن بر دیگر انواع ادبی می چربد.

نظامی در ابتدای هفت پیکر به استفاده خود از اشعار حماسه سرای ایران در سرایش داستان بهرام گور پوشیده سخن می‌گوید:

گرچه در شیوه ی گهر سفتن
چون نباشد ز بازگفت گزیر
دو مطرّز به کیمیای سخن
آن ز مس نقره کرد نقره خاص

شرط من نیست گفته واگفتن
دانم انگیخت از پلاس حریر
تازه کردند نقدهای کهن
وین کند نقره را به زر خلاص

(هفت پیکر ص ۵۸، بیت ۱۰۶۳-۱۰۶۷)

اما در واقع همان گونه که خود شاعر نیز به آن اشاره کرده، طرحی نو انگیخته است داستان‌هایی که در شاهنامه در رابطه با بهرام گور سروده شده است در جدولی آورده می‌شود و برای کامل تر شدن بحث به بررسی داستان مذکور در کتب تاریخی نیز پرداخته ایم و چون این مقاله قصد دارد به وجه تعلیمی داستان‌ها نیز بپردازد بنابراین از خلال ابیات به پیام تعلیمی که شاعر حماسه سرای ما در نظر داشته اشاره کرده ایم که البته شاهد مثال‌ها و استنادات در ادامه مقاله آورده خواهند شد.

داستان‌های شاهنامه	شخصیت‌های داستان	بررسی داستان در دیگر منابع	پیام تعلیمی
آزاده و بهرام گور	بهرام و آزاده	هفت پیکر تاریخ ثعالبی تاریخ گزیده یک داستان و چهار روایت (مقایسه داستان بهرام گور در شکارگاه در چهار منظومه)، شاهنامه، هفت پیکر نظامی و ...	نقد نخوت و غرور بی جا و تآبی در انجام کار
بهرام با لنبک و براهام	لنبک و براهام و بهرام	-	بخشنده‌گی و سخاوت
بهرام و مهربناد	بهرام و مهربناد	-	شجاعت
بهرام و حلال و حرام کردن وی شراب را	بهرام، کبروی، کفشگر زاده و مادرش	-	رعایت اعتدال و میانه روی
بهرام با روزنه موبد و ده آبادی که ویران شد	بهرام، روزنه موبد، مردم روستا، مرد موبد	-	تأثیر گفتار و سنجیده گوئی
بهرام با دختران آسیابان	بهرام، دختران آسیابان و پدر و مادرشان، مأمور	-	عدم دلبستگی به ظواهر و زرق و برق دنیوی
بهرام با گنج جمشید	بهرام و سپاهیان و موبدان	-	بخشنده‌گی و اخلاق مدارای و دل‌نستن به دنیا

بهرام با برزین دهقان	بهرام، برزین و سه دختر وی	-	دادگری کردن و ستم نکردن
بهرام با ماهیارگوهر فروش	بهرام، ماهیار و دخترش	-	خوی مردمی و دادگری
بهرام با کدیور خارکن	بهرام، کدیور، فرشیدورد	-	بخشنده‌گی و سخاوت
بهرام و بازرگان و شاگرد		-	
بهرام و زن پالیزبان	بهرام، زن و شوهر پالیزبان،	-	میهمان نوازی و مردم داری و بخشنده‌گی
بهرام با خاقان چین	بهرام، خاقان چین و سپاهیان	هفت پیکر تاریخ بلعمی، گزیده، بناکتی، طبقات ناصری، مجمل التواریخ و القصص، تاریخ ایران باستان، تاریخ سیاسی ساسانیان	توکل بخشنده‌گی دادگری خداپرستی مردم داری
بهرام و شنگل هند	بهرام، شنگل هند و دختر وی	تاریخ بلعمی، ثعالبی، گزیده، مجمل التواریخ و القصص، طبقات ناصری	شجاعت و دلیری

بهرام گور در شاهنامه فردوسی. جدول شماره ۱

چنان که پیداست داستان بهرام و آزاده و داستان خاقان چین در این دو کتاب مشترک هستند. بهرام و آزاده ماجرای کنیزی است که در حین شکار بهرام او را نمی ستاید و برای این که مهارت بهرام در تیراندازی را ببیند مواردی را از او درخواست می کند و بهرام برآشفته می شود و او را زیر پای ستور می اندازد و می کشد.

نظامی نیز این داستان را به زیور طبع آراسته است نام کنیز در هفت پیکر فتنه است. ابتدای این داستان نیز با داستان آزاده در شاهنامه یکسان است و دختر مهارت بهرام را در تیر اندازی نمی ستاید و آن را به تمرین و ممارستی که بهرام داشته نسبت می دهد. بهرام آزاده خاطر می شود و زمانی که تصمیم به شکنجه وی می گیرد او را به سرهنگی می سپارد. سرهنگ دختر را در کوشکی بیرون از شهر نگه می دارد. دختر گوساله کوچکی را هر روز بر دوش می گیرد و به بالای کوشک می برد با بزرگ شدن گوساله دختر همچنان این کار را انجام می داد. روزی سرهنگ بنا به درخواست دختر بهرام را به کوشک دعوت می کند و دختر این گاو بزرگ را از شصت پله به بالای کوشک می آورد. بهرام این مهارت را از سر تمرین و ممارست می داند نه زورمندی. فتنه می گوید مهارت شما به دلیل تمرین و ممارست نیست و برای من به دلیل ممارست است؟! پادشاه فتنه ی خویش را می شناسد از سرهنگ قدردانی می کند و دختر را به کاخ خود می برد.

این داستان در تاریخ ثعالبی نیز شبیه آن چه فردوسی در شاهنامه سروده بیان شده است. (ثعالبی، ۱۳۶۸، ۳۴۸)

در تاریخ گزیده فقط این عبارت آمده است: " حکایت او با دلارام و آنکه آهوان را چگونه تیر زد مشهور است." (مستوفی، ۱۳۶۱: ۱۱۲)

در شاهنامه و تاریخ ثعالبی آن چه دست مایه سرودن این شعر قرار می‌گیرد نقد نخوت پادشاه است هر چند در روایت نظامی داستان با آب و تاب بیشتری بیان شده ولی باز غرور و نخوت بی جا را زیر سؤال می‌برد. دو دیگر ترغیب مخاطب به ممارست در انجام کار برای نیل به اهداف است که می‌تواند غیر ممکن‌ها را ممکن سازد همچنین تأنی کردن و اندیشه ورزیدن پیش از انجام کار نیز از پیام‌هایی هستند که در داستان مستترند.

در واقع با اینکه پیام تعلیمی در کتب مختلف از این داستان یکسان است اما در داستان بهرام گور و آزاده وجه حماسی پر رنگ است و در داستان بهرام گور و فتنه وجه غنائی غلبه دارد.

هر چند رفتار بهرام شاه در دو داستان گویای شرایط تاریخی نیز هست: ذبیح ا ... صفا در کتاب تاریخ ادبیات در ایران در خصوص اوضاع اجتماعی عصر نظامی می‌نویسد: «قرن ششم دوره تاخت و تاز پادشاهان و حاکمان سلجوقی و ویرانکاری‌های آنان و نیز نابسامانی‌هایی است که چیرگی‌های پی در پی آنان در وضع اجتماعی ایران پدید آورد. ظلم و بیدادگری حاکمان و زمامداران سلجوقی در اغلب ولایات و شهرها، باعث به وجود آمدن بسی از مفاسد و معایب اخلاقی در میان مردم شده بود و همین ناملایمات و نابسامانی‌ها عده‌ای از دانشمندان و شاعران و نویسندگان را رنجیده خاطر کرده بود و آنان را به انتقاد از اوضاع اجتماعی و بد گویی از رفتار امرا و سلاطین و رجال و مفاسدشان واداشته بود. (صفا، ۱۶۸: ۱۳۷۴)

داستان جنگ بهرام با خاقان چین نیز در هر دو کتاب و دیگر کتب تاریخی به آن پرداخته شده است. از حوادث زمان بهرام هجوم هیاطله یا هون‌های سفید از شرق به ایران بود وی به ظاهر وانمود کرد که از هجوم هیاطله خود را باخته است و با قوای کوچکی به قصد شکار بیرون شد و به طرف آذربایجان رفت و حرکت خود را از نظرها مخفی داشت چنانکه شب‌ها راه می‌پیمود و روزها نهان می‌شد چون دشمن غافلگیر شد یک باره بر سر او تاخت و به سپاه هون‌ها شبیخون زد در این جنگ خاقان هون‌ها کشته شد و زن او اسیر گشت و غنائم بسیاری به دست ایرانیان افتاد (محمد جواد مشکور، ۱۳۶۶، ۴۱۸)

این داستان در دیگر کتب تاریخی و ادبی نیز تقریباً با همین مضمون بیان شده است از جمله:

تاریخ بلعمی (طبری، ۱۳۶۵، ۹۴۰)، تاریخ گزیده (مستوفی، ۱۳۶۱، ۱۱۴)، مجمل‌التواریخ و القصص (?، ۱۳۱۸، ۷۰)، تاریخ بناکتی (بناکتی، ۱۳۴۸، ۵۶)، طبقات ناصری (جوزجانی، ۱۳۶۳، ۱۶۰)، کتاب تاریخ

ایران باستان: تاریخ سیاسی ساسانیان (زرین کوب، ۱۳۷۷، ۴۸)، تاریخ ایران باستان (پیرنیا، ۱۳۸۴، ۱۹۸). بهرام در این داستان برخلاف نظر غرض ورزان با توکل به خداوند و شجاعت خویش توانست خاقان چین را شکست و ایران را نجات دهد و در انتهای داستان بر نکات اخلاقی تأکید دارد:

که دادار گیهان مرا یاورست
که از دانش برتران برترست

و پس از شکست خاقان چین غنائم را بین افراد نیازمند توزیع کرد.

و شاعر حماسه سرای ایران پس از این قسمت چندی به تعلیم مخاطب روی می آورد:

بکوشید تا رنج ها کم کنید	دل غمگنان شاد و بی غم کنید
که گیتی فراوان نماند به کس	بی آزاری و داد جوید و بس
هر آن کس که درویش باشد به شهر	که از روز شادی نیابند بهر
فرستید نزدیک ما نامشان	برآریم زان آرزو کامشان
همان بندگان را مدارید خار	که هستند هم بنده ی کردگار
ز چیز کسان دور دارید دست	بی آزار باشید و یزدان پرست
بکوشید و پیمان ما مشکیند	پی و بیخ و پیوند بد برکنیند...

(شاهنامه فردوسی، ۳۸۶، بیت ۱۴۳۵)

مابقی داستان ها تشابه شکلی و مضمونی با هم ندارند هر چند برخی از آن ها در دیگر منابع تاریخی آورده شده اند که در جدول نیز بیان شده است. از جمله داستان شنگل هند: که بهرام با یک نامه نزد نگهبان شنگل (پادشاه هند) رفت و خود را فرستاده ی بهرام شاه معرفی کرد. شنگل از او خواست اول با گرگ و سپس با اژدها بجنگد بهرام بر هر دو فائق آمد. شنگل زمانی که شجاعت او را دید تلاش کرد که او به ایران باز نگردد ولی بهرام نپذیرفت و در پایان هویت خود را آشکار کرد و گفت شاه ایران هست شنگل دخترش را به عقد او در آورد و بهرام با دختر شنگل به ایران بازگشت.

این داستان نیز در تاریخ بلعمی (طبری، ۱۳۶۵، ۳۶۱)، تاریخ ثعالبی (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۶۱)، تاریخ گزیده (۱۳۶۱، ۱۱۴)، مجمل التواریخ و القصص (؟، ۱۳۱۸: ۶۹)، طبقات ناصری (جوزجانی، ۱۳۶۳، ۱۶۰) آمده است.

بررسی داستان ها در منابع فوق و دیگر کتب آبخورهای تاریخی داستان را نشان می دهد که بینیم خاستگاه داستان های مربوط به بهرام گور از کجا نشأت گرفته و پیش و پس از فردوسی در چه کتبی از این شخصیت تاریخی - افسانه ای سخن گفته شده است. شخصیت و رفتار بهرام گور در منابع تاریخی، تاریخ بلعمی، تاریخ ثعالبی، تاریخ گزیده، تاریخ بناکتی، مجمل التواریخ و القصص ... و بیان داستان های بعضاً خارق العاده در این کتب نشان می دهد آن قدر زندگی بهرام گور با افسانه ها آمیخته است که حتی مورخان نیز این داستان های افسانه ای را به عنوان واقعیت در رابطه با وی پذیرفته اند در کتب تاریخی توصیف و تبیین کرده اند.

اما در رابطه با بهرام گور در هفت پیکر نظامی: همان گونه که گفته شد این کتاب داستان‌های مشترک زیادی با شاهنامه ندارد. البته برخی از داستان‌های این کتاب نیز با منابع تاریخی هم خوانی دارد که به آن‌ها خواهیم پرداخت. آن چه لازم به آن اشاره کنیم این است که ما نظامی را شاعری صوفی مسلک می‌شناسیم شاعر به پیام اخلاقی مستتر در ابیات اشاره مستقیمی نکرده است برخلاف آن چه ما در شاهنامه می‌بینیم. به همین دلیل پژوهشگران به واکاوی پیام‌های اخلاقی پوشیده در دل ابیات پرداخته‌اند. در جدول ذیل داستان‌های بهرام گور در بهرام نامه آورده شده است و ضمن آن به بررسی داستان‌ها در کتب تاریخی نیز پرداخته ایم همچنین نظر پژوهشگرانی که به دنبال تأویل ابیات هفت پیکر بوده‌اند مرقوم شده است تا کار برای تحلیل فعلی و تحلیل‌های آتی دیگر پژوهشگران هموار شود.

داستان‌ها	شخصیت‌ها	بررسی داستان در دیگر منابع	پیام تعلیمی
اژدها کشتن بهرام و گنج یافتن	منذر، نعمان، سپاهیان، بهرام گور	خوانش اسطوره‌های حکایت کشتن بهرام اژدها را و گنج یافتن در هفت پیکر: تحلیل نشانه شناختی سبک سه نگاره شاهنامه فردوسی با عنوان «کشتن بهرام گور، اژدها را»:	شجاعت
تاج برداشتن بهرام از میان دو شیر		مجموعه‌التواریخ و القصص، تاریخ گزیده، طبقات ناصری، تاریخ بناکتی، تاریخ ایران باستان، داستانی از چند چشم انداز (مطالعه تطبیقی تاج ستانی بهرام گور در شاهنامه و منابع تاریخی)	شجاعت
گنبد مشکین (شنبه)	کنیز، ملک، میهمان سیاه پوش، مرد قصاب	مضامین تعلیمی و تربیتی در هفت پیکر، نقد سوررئالیستی هفت پیکر: رمز گشائی از نمادهای هفت اقلیم هفت پیکر: هفت پیکر در نفیر نی: بررسی تطبیقی کاربرد بومی رنگ‌ها در ایران با علم روان شناسی رنگ (مطالعه موردی: :	ناصری: نقد افزون طلبی و لذت جویی آدمیان مشهدی: عدم انطباق ناخودآگاه با غریزه جنسی و طلب رسیدن به آنیما(۱۶۶) کزازی: رنگ سیاه برای نشان دادن چهل و نادانی است(۴۴) دری: اشاره به صبر سالک و بیان گر داغ و درد حسرت(۱۹)

<p>ترکاشوند: رانده شدن آدم از بهشت و نماد شهوت و افزون طلبی (۳۸) ذوالفقاری: بیان افزون طلبی های انسان و نقد زیاده خواهی (۷۵)</p>	<p>منظومه هفت پیکر): هفت پیکر نظامی و نظیره های آن:</p>		
<p>ناصری: راست گوئی و درست کاری مشهدی: دست یابی پادشاه و کنیزک به آنیما و آنیموس حقیقی خود (۱۶۷) دری: استقامت در مقابل عتاب معشوق (۱۹) ذوالفقاری: بی وفائی زنان (۷۵)</p>	<p>مضامین تعلیمی و تربیتی در هفت پیکر، نقد سوررئالیستی هفت پیکر هفت پیکر در نفیر نی: هفت پیکر نظامی و نظیره های آن:</p>	<p>ملک، کنیزکان، عجزه، کنیزک زیبارو</p>	<p>گنبد زرد (یکشنبه)</p>
<p>ناصری: منظره بین عالم دین دار و بی دین و پیروزی دین دار کزازی: قربانی شدن ملیخا و رویش زندگی بشر. ملیخا نماینده اهریمن و بشر از یاران اهورا است که موجب این قربانی می شود. (۴۵) ترکمانی: ازدواج بشر با آنیمای درون در سفری نمادین و دست یابی به فردانیت (۵۹) ذوالفقاری: رسیدن به خواسته های شرعی با درست کاری و صداقت و چشم پاکی (۷۶) دری: رسیدن به مطلوب با صبر و ورع و پاکدامنی (۱۹)</p>	<p>مضامین تعلیمی و تربیتی در هفت پیکر، رمز گشائی از نمادهای هفت اقلیم هفت پیکر هفت پیکر در نفیر نی: هفت پیکر نظامی و نظیره های آن: بررسی و تطبیق فرایند فردیت در گنبد اول و دوم از هفت پیکر نظامی بر اساس روان شناسی تحلیلی یونگ</p>	<p>بشر، ملیخا و همسرش</p>	<p>گنبد سبز (دوشنبه)</p>
<p>ناصری: نقش دانش در حیات بشری مشهدی: دست یابی به عنصر زنانه یا آنیما در وجود شاهزاده جوان (۱۷۲) مدرسی: دژنمادی از دنیای دیگر یا عالم ناخودآگاه (۱۷۲) کزازی: رنگ قرمز نماد دعوت به مبارزه و جهل است و در بر دارنده مفاهیم پرخاشگری و خیالبافی که این مشخصه ها در داستان دیده می شود. (۴۸) دری: دست یابی به بانوی حصارى حد هر بی سر و پایى نیست سالک باید در این راه آزموده شود و سختی و رنج را تحمل کند تا به گوهر مقصود دست</p>	<p>مضامین تعلیمی و تربیتی در هفت پیکر، نقد سوررئالیستی هفت پیکر: رمز گشائی از نمادهای هفت اقلیم هفت پیکر: بررسی تطبیقی کاربرد بومی رنگ ها در ایران با علم روان شناسی رنگ (مطالعه موردی : منظومه هفت پیکر): سنجش داستان بانوی حصارى از هفت پیکر نظامی با کهن الگوی سفر قهرمان:</p>	<p>بانوی حصارى و پدرش، شاهزاده، پیر دانا</p>	<p>گنبد سرخ (سه شنبه)</p>

یابد (۳۰) ترکاشوند کسب آگاهی و شناخت نیاز راه است برای پا گذاشتن در مسیر (۳۸)			
ناصری: نقد طمع کاری یوسف عالی عباس آباد: غول و جن نماد گمراهی هستند و خضر نماد عرفان و شناخت. (۱۱۲) دری: ضرورت حضور پیر برای طی مسیر و توکل به خدا (۳۸)	مضامین تعلیمی و تربیتی در هفت پیکر: هفت پیکر در نفیر نی: تأملی عرفان شناختی در داستان ماهان کوشیار هفت پیکر نظامی: تأملی عرفان شناختی در داستان ماهان کوشیار هفت پیکر نظامی:	ماهان، دیو هایی به نام هایل، هیلا و غیلا، صاحب باغ، حوریان، خضر	گنبد فیروزه (چهارشنبه)
ناصری: پیروزی نهایی انسان های خیرخواه و اندیشه های مثبت دری: بازگشت عواقب اعمال انسان به وی. کوری سمبل حجاب است که خیر به وسیله کرد از آن نجات می یابد و در سایه تربیت پیر قرار می گیرد. (۴۰) ترکاشوند: پرهیز از تکبر و نافرمانی (۳۹) ذوالفقاری: این داستان صداقت و مکافات عمل را نشان می دهد (۷۷)	مضامین تعلیمی و تربیتی در هفت پیکر: هفت پیکر در نفیر نی: بررسی تطبیقی کاربرد بومی رنگ ها در ایران با علم روان شناسی رنگ (مطالعه موردی : منظومه هفت پیکر): هفت پیکر نظامی و نظیره های آن:	خیر و شر، دختر چوپان و پدرش، خادمان خانه دختر وزیر، فرد جهود	گنبدصدلی (پنج شنبه)
ناصری: برتری عقل و عفت بر نفس پرستی ترکاشوند: این گنبد نماد عافیت است چرا که پالایش های قبلی در درون بهرام انجام شده. ذوالفقاری: عصمت و پارسائی در مواجهه با اظهار عشق زنان. (۷۷)	مضامین تعلیمی و تربیتی در هفت پیکر: بررسی تطبیقی کاربرد بومی رنگ ها در ایران با علم روان شناسی رنگ (مطالعه موردی : منظومه هفت پیکر): هفت پیکر نظامی و نظیره های آن:	جوان پرهیزکار، زنان، نگهبانان، زن زیبا رو	گنبد سپید (جمعه)
عدالت	تاریخ گزیده		قصه شبان یا سگ
عدالت			شکایت هفت مظلوم
	مأثر الملوک خواند میر غیبت بهرام گور		فرجام کار بهرام و ناپیدا شدن او در غار

بهرام گور در هفت پیکر نظامی. جدول شماره ۲

جدول فوق به ما کمک می کند نقدها و مطالبی که در ارتباط با هر داستان در هفت پیکر وجود دارد را ببینیم و به راحتی مورد بررسی قرار دهیم هر پژوهشگری بنا به دیدگاهی که اتخاذ کرده است داستان ها را از بعد تعلیمی تحلیل کرده و به نتایجی دست یافته که همه آن ها در جدول فوق نشان داده شد. نگاه اجمالی به نتایج اخلاقی ذیل هر داستان در هفت پیکر با نتایج اخلاقی که در جدول شماره ۱ ذیل

داستان های شاهنامه آمده نشان خواهد داد که پیام های اخلاقی شاهنامه متأثر از باورهای زرتشتی و آیین های ایران باستان است حال آن که در هفت پیکر غالب ابیات از روح تصوف و باورهای اسلامی تبعیت می کنند.

مبرهن است که فردوسی از شاعران سبک خراسانی به شمار می رود و هم دوره با رودکی، کسائی، ابوشکور بلخی، معزی، منوچهری و ... است. شاعران این سبک شعری در لا به لای اشعار خود به مضامین تعلیمی نیز اشاره کرده اند.

به طور کلی می توان گفت: در ادبیات تعلیمی، اندرزنامه ها به دو قسم اندرزنامه و اشارات اندرزی که شاعران و نویسندگان در اثنای سخنان خود به آن پرداخته اند تقسیم کرد. میراث مکتوبی که از دوره های پیش از اسلام از پند و اندرز به ما رسیده مربوط به دوره ی ساسانی است این اندرزها شامل کلمات قصار و حکیمانه ای است که پس از اسلام نیز بر ادبیات ما تاثیر بسزایی گذاشته است تقریباً تمامی این آثار تحت تاثیر سفارش های دین زرتشتی است. (یلمه ها، ۱۳۹۵: ۷۲)

در مینوی خرد، یادگار بزرگمهر، اندرزهای آذرباد، اندرز خسرو قبادیان و ... این گونه مطالب و اندرزهای اخلاقی بازتاب یافته است که معرف اندیشه و گفتار مردم در گذشته های دور است. (شعبانلو و مرادی، ۱۳۹۶: ۱۳۹)

پس یکی از دلایل پردازش متفاوت داستان بهرام گور در شعر این دو شاعر برگرفته از اعتقادی که آن دو دارند فردوسی از شاعران سبک خراسانی است و اندیشه های وی بیشتر وام دار اندیشه های زرتشتی و آیین مهر پرستی است در حالی که شاعر صوفی مسلک ما در دل در گرو اندیشه های تصوف دارد و رنگ و بوی اسلام و تعالیم اسلامی در شعر وی بیشتر مشهود است هر چند سبک آذربایجانی و شاعران هم مسلک وی و محیط جغرافیایی نیز تاثیر خود را بر شعر وی گذاشته است.

البته یکی دیگر از دلایل تمایل نظامی به مضامین تعلیمی اختلافات دینی و مذهبی و تعصبات و مناقشات میان زمامداران سلجوقی و امامان معتزلی و اسماعیلی در عصر نظامی است که به اوج خود رسیده بود به طوری که کشمکش های شدیدی ما بین سلاطین سلجوقی و پیشوایان اسمعیلی صورت گرفته بود که سبب آزار مخالفان مذهبی و کشتار و خون ریزی آنان منجر می شد.

هر چند مشترکاتی نیز در مضامین مورد استفاده شاعران قرار دارد زیرا برخی از تعالیم مربوط به دین و آیین نیست و منشاء و خاستگاه انسانی دارد و در همه فرق و مذاهب و آیین ها حسن و قبح آن پیداست. از جمله راستی، پاکدامنی، مهربانی، نیکی و

از دیگر دلایل این پردازش متفاوت به مباحث کلامی باز می گردد. ناگفته پیداست که فردوسی به کلام معتزله نزدیک تر است و نظامی به اشاعره. نه فقط فردوسی بلکه بیشتر شاعران سبک خراسانی وام دار اندیشه های معتزله هستند و نه فقط نظامی بلکه بیشتر شاعران سبک آذربایجانی و عراقی با پشتوانه ی کلام اشاعره به سرایش اشعار می پردازند. در واقع شاکله ی فکری و اعتقادی شاعران سبک خراسانی از

تفکر معتزلی نشأت می‌گیرد و در شاعران سبک آذربایجانی و عراقی از تفکر اشعری منبعث است. بررسی متن در بستر جامعه، تاریخ، فرهنگ و ... می‌تواند رهیافت‌های تازه‌ای را در برداشته باشد نظریه تحلیل گفتمان در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد.

این نظریه متن را منفک از جامعه نمی‌داند و خواهان برقراری پیوند میان آن دو است در واقع هر تعاملی از زمانه‌ی خود متأثر است و نمی‌تواند خارج از تأثیرات دایره‌ی گفتمان عصر خود باشد (شهریاری، ۱۳۹۹: ۵۸۵).

همچنین بررسی جداول این حقیقت را نمایان می‌سازد که گفته‌های بسیاری از پژوهشگران که متن شاهنامه را نسبت به کتب نظامی بیش‌تر منطبق با کتب و حقایق تاریخی می‌دانند بررسی دقیق‌تری را می‌طلبد.

در این مقاله داستان بهرام گور در هر دو کتاب مورد بررسی قرار گرفت با توجه به جدول‌ها دیدیم که فقط دو داستان " بهرام و کنیزک " و داستان " خاقان چین " در این دو کتاب فاخر مشترک است داستان بهرام با کنیزک و خاقان چین در دیگر کتب تاریخی نیز آمده است که در جدول آورده شده است البته سبک بیان، عصر و دوره، مسائل عقیدتی و کلامی این داستان‌ها را بعضاً از هم تمایز بخشیده است. از این میان فقط داستان سنگل هند بین متن فردوسی و دیگر کتب مشترکاتی دارد بقیه داستان‌ها در هر دو کتاب منحصر به فرد هستند و نمی‌توان رای قطعی صادر کرد و شاهنامه را منطبق با تاریخ و آثار نظامی را از وجه تاریخی دور دانست. البته همان‌گونه که گفته شد زمانی می‌توان به صورت جزئی و قاطع در این رابطه سخن گفت که همه‌ی داستان‌ها در هر دو کتاب و دیگر کتب تاریخی سده‌های گذشته مورد بررسی قرار بگیرند. پس شاید بتوان بر اساس جداول فوق به نظر بیش‌تر پژوهشگران که روایت‌های شاهنامه به خصوص بهرامشاه که پایه و اساس این پژوهش قرار دارد را منطبق با تاریخ و کتب تاریخی می‌دانند با دیده‌ی تردید نگریست. در واقع در شاهنامه فردوسی و در هفت پیکر نظامی شخصیت بهرام از حد و اندازه تاریخی فراتر می‌رود ولی هر کدام با توجه به اهداف تعلیمی و شرایط اجتماعی، تاریخی، فرهنگی، مذهبی ... به این شخصیت می‌پردازند و در شاهنامه بعد پهلوانی پر رنگ‌تر است و در نظامی بعد غنایی با رنگ و بوی اسلامی و شرعی. ناگفته پیداست پیام‌های تعلیمی با توجه به اهداف غایی و تعلیمی این دو داستان پرداز تا چه حد می‌تواند اختلاف داشته باشد.

نتیجه‌گیری:

اندرزنامه‌ها یا اشارات اندرزی و تعلیمی بعد اخلاقی یک جامعه را بازتاب می‌دهند. بررسی ابعاد اخلاقی جامعه در دوره‌های گوناگون حیات بشری نشان‌دهنده اندیشه و گفتار و رفتار مردم یک جامعه است. سخن پرداز یا در جهت تقویت گفتمان اخلاقی غالب گام بر می‌دارد یا به دلیل مسائل حاکم در صدد تضعیف ذمائم اخلاقی است تا با تقویت شایسته‌ها و تضعیف ناشایسته‌ها جامعه را به اخلاق‌گرائی تشویق کند.

شاهکار فردوسی و آثار نظامی سرشار از نکات حکمی و تعلیم اخلاقی هستند. هر دو شخصیت‌های

تاریخی و اسطوره ای را دست مایه آفرینش ادبی و هنری قرار داده اند تا بتوانند پیام های اخلاقی را به صورت ملموس و قابل درک به جامعه القا و تفهیم کنند. بهرام گور از جمله شخصیت های تاریخی است که مورخان، ادیبان و هنرمندان ما در ادوار گذشته به اسطوره سازی از او پرداخته اند. این پژوهش در صدد بود به تطبیق داستان های بهرام گور در شاهنامه فردوسی و هفت پیکر نظامی پردازد و میزان اشتراک و افتراق داستان ها را در دو کتاب نشان دهد و پیام های تعلیمی مستتر در داستان ها را تحلیل و واکاوی کند.

بررسی های فوق نشان داد با آن که یک شخصیت در کانون این دو متن فاخر وجود دارد اما تفاوت دیدگاه و عصر و زمان و باور و ... موجب تفاوت در نگاه شده است و پیام های تعلیمی پنهان در ابیات این دو متن با هم اختلاف دارند از طرفی بررسی داستان های بهرام گور در کتب تاریخی پیشین نیز این نکته را نمایان ساخت که بین این دو کتاب و دیگر کتب نیز به سختی می توان داستان مشترکی یافت در این پژوهش به این گفته پژوهشگران با دیده تردید نگریسته شد که داستان بهرام گور در شاهنامه با کتب تاریخی منطبق است. روایت فردوسی جنبه ی پهلوانی و صورت حماسی دارد و روایت نظامی جنبه ی غنائی و هیج کلام در پی روایت روایات تاریخی نیستند. هر چند داستان ها اشتراکاتی با هم دارند اما وجوه افتراق آن ها بیش تر است.

تعارض منافع:

نویسنده متعهد می شود مقاله تعارض منافع ندارد.

منابع

- آیدانلو، سجاد (۱۳۹۵)، غیبت بهرام گور، شعرپژوهی (بوستان ادب شیراز)، سال ۸، شماره ۲، ۲۷-۶۰.
- بناکتی، داوود، (۱۳۴۸)، تاریخ بناکتی، به کوشش جعفر شعار، انتشارات انجمن آثار ملی.
- بهنام فر، محمد؛ ملک پایین، مصطفی (۱۳۹۲)، خوانش اسطوره های حکایت کشتن بهرام ازدها را و گنج یافتن در هفت پیکر، پژوهش های ادبی، شماره ۴۰، ۳۹-۶۲.
- پیرنیا، حسن (۱۳۸۴)، تاریخ ایران باستان، نگاه، تهران.
- ترکاشوند، نازبانو (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی کاربرد بومی رنگ ها در ایران با علم روان شناسی رنگ (مطالعه موردی: منظومه هفت پیکر)، کتاب ماه ادبیات، سال سوم، شماره ۳۴، صفحات ۳۶-۴۱.
- ترکمانی باراندوزی، وجیهه؛ چمنی گلزار، ساناز (۱۳۹۱)، بررسی و تطبیق فرایند فردیت در گنبد اول و دوم از هفت پیکر نظامی بر اساس روان شناسی تحلیلی یونگ، زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی سنندج، سال ۴، ش ۱۰، صفحات ۲۳-۴۸.
- ثعالی نیشابوری، ابومنصور عبدالملک بن محمد اسماعیل (۱۳۶۸)، تاریخ ثعالی، ترجمه محمد فضائلی، تهران، نقره.

- جوزجانی، قاضی منه‌هاج الدین سراج، (۱۳۶۳)، طبقات ناصری، تصحیح عبد الحی حبیبی، چاپ اول، نشر دنیای کتاب.
- حسینی، مریم (۱۳۹۹)، آبشخورهای تاریخی روایت نظامی در نظم هفت پیکر (مقایسه تطبیقی داستان بهرام گور در روایت فردوسی، طبری، ثعالبی، نظام الملک، مقدسی، ابن اثیر و نظامی با توجه به افزوده‌های هنرمندانه نظامی به داستان تاریخی)، متن پژوهی ادبی، سال ۲۴، شماره ۸۳، ۷-۳۸.
- خواندمیر، غیاث الدین (۱۳۷۲)، متأثرالملوک، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، رسا.
- دری، نجمه؛ خیراندیش، سید مهدی (۱۳۹۱)، هفت پیکر در نفیر نی، شعر پژوهی، دوره ۴، شماره ۳، صفحات ۱۹ - ۴۴.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۵)، هفت پیکر نظامی و نظیره‌های آن، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، شماره ۵۲ و ۵۳، صفحات ۶۷-۱۰۹.
- رضی، احمد (۱۳۹۱)، کارکردهای تعلیمی ادبیات فارسی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال ۱۴، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۹۱، ۹۷-۱۲۰.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۷)، تاریخ ایران باستان، تهران، سمت.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۷)، نشانه‌شناسی کاربردی، تهران، قصه.
- سرکاراتی، بهمن (۱۳۵۵)، رستم یک شخصیت تاریخی یا اسطوره‌ای، جستارهای نوین ادبی، شماره ۴۶، ۱۶۲-۱۹۲.
- شعبانلو، علی رضا؛ مرادی، خدیجه (۱۳۹۶)، بررسی تاریخ محور تحول موضوعات شعر تعلیمی قرن چهارم تا هشتم، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال ۹، شماره ۳۶، ۱۳۷-۱۷۰.
- شهریاری، منصوره (۱۴۰۱)، تحلیل گفتمان انتقادی در رمان نگران نباش مهسا محب علی از منظر جنسیت، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۱۴، شماره ۳، ۳۷۱-۳۹۶.
- شهریاری، منصوره (۱۳۹۹)، جایگاه زنان در سیاست نامه خواجه نظام الملک بر اساس نظریه ی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، دوره ۱۸، شماره ۴، ۵۷۹-۵۹۹.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۴)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: ققنوس.
- صفیان بلداجی، یوسف (۱۳۹۶)، هویت بهرام پنجم در شاهنامه و هفت پیکر با رویکردی تاریخی، تاریخ ادبیات، دوره ۱۰، شماره ۲، ۷۹-۹۷.
- طبری، ابوجعفر محمدبن جریر (۱۳۶۵)، گزیده تاریخ بلعمی، تهران، امیرکبیر.
- عبدالله زاده برزو، هفتم (۱۳۹۲)، کنکاشی در نمادپردازی در گنبد هفتم، فصلنامه ی تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر، دوره ۵، شماره ۱۷، ۱۱۷-۱۳۳.
- عالی عباس آباد، یوسف (۱۳۹۶)، تأملی عرفان شناختی در داستان ماهان کوشیار

- هفت پیکر نظامی، عرفان اسلامی، دوره ۱۳، ش ۲۵، ۱۰۹-۱۲۴.
- علیمیرزائی، بهناز؛ کزازی، میرجلال الدین؛ سرور یعقوبی، علی (۱۴۰۰)، رمز گشائی از نمادهای هفت اقلیم هفت پیکر، متن پژوهی ادبی، دوره ۲۵، ش ۸۷، ۳۴-۶۱.
- غلامی نژاد، محمدعلی؛ تقوی، محمد؛ براتی، محمدرضا (۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی شخصیت بهرام در شاهنامه و هفت پیکر، فصلنامه جستارهای نوین ادبی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۴۰، شماره ۳، ۱۱۷-۱۳۹.
- فردوسی، (۱۳۷۵). شاهنامه، به کوشش سعید حمیدیان، تهران، قطره.
- فردقانی، کبری (۱۳۸۲)، تقابل دو دیدگاه در یک داستان (بهرام گور در شاهنامه و هفت پیکر، فردوسی، شماره ۱۰ و ۱۱، ۴۶-۵۱).
- قبادی، حسینعلی (۱۳۹۸)، کیخسرو و بهرام (خوانش بینامتنی شاهنامه و هفت پیکر از منظر شخصیت پردازی اسطوره گونه ی کیخسرو و بهرام)، ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، دوره ۱۵، شماره ۵۶، ۱۰۳-۱۳۰.
- مجله التواریخ و القصص (۱۳۱۸)، تصحیح محمد تقی بهار، تهران، کلاله خاور.
- مدرسی، فاطمه؛ ربحانی، محمد (۱۳۹۷)، سنجش داستان بانوی حصار از هفت پیکر نظامی با کهن الگوی سفر قهرمان، بهارستان سخن، شماره ۴۱، ۱۶۱-۱۸۴.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۱)، تاریخ گزیده، به اهتمام ادوارد براون، تهران، دنیای کتاب.
- مشکور، محمدرضا (۱۳۶۶)، تاریخ سیاسی ساسانیان، تهران، دنیای دانش.
- مشهدی، محمدمیر؛ واثق عباسی، عبدالله؛ عباسی، محسن (۱۳۸۹)، نقد سوررئالیستی هفت پیکر، متن پژوهی ادبی، دوره ی ۱۴، ش ۴۵، ۱۵۹-۱۸۴.
- مرادخانی، علی؛ حیاتی، یاسر (۱۳۹۳)، جایگاه معرفت شناختی شعر در فلسفه افلاطون، پژوهش های معرفت شناختی، شماره ۷، ۱۰۷-۱۲۶.
- ناصری، ناصر؛ مضامین، شهریار (۱۳۹۴)، مضامین تعلیمی و تربیتی در هفت پیکر، سال هفتم، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، شماره ۲۵، ۱۳۹-۱۷۶.
- مقبلی، آناهیتا؛ پیامی، بهناز (۱۳۹۵)، تحلیل سبک سه نگاره شاهنامه فردوسی با عنوان کشتن بهرام گور ازدها راه پژوهش نامه ادب حماسی، دوره ۱۲، شماره ۲۱، ۲۰۱-۲۲۸.
- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۷۶)، هفت پیکر، تصحیح حسن وحیددستگردی، تهران، قطره.
- یلمه ها، احمد رضا (۱۳۹۳)، پیام های جهانی شعر شهریار، نامه فرهنگ آذربایجان شرقی، فصلنامه پژوهشی و فرهنگی، ویژه نامه استاد شهریار، سال اول، ش اول: ۹۷-۸۰.
- (۱۳۹۵)، بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و سیر تطور و تحول آن در ایران، پژوهش نامه ادبیات تعلیمی، دوره ۸، شماره ۲۹، ۶۱-۹۰.

